www.sharghdaily.com aparat:tasvirshargh Telegram:SharghDaily youtube:sharghdaily twitter:sharghdaily instagram:sharghdaily1
روزنامه شرق

عکس: سفانه آگاهی- خوش

برخورد: گفت‌وگوی احمد غلامی با محمدحسین شریف‌زادگان

مکانیسم ماشه و سناریوهای پیش‌رو

روزهای پیش‌رو، روزهای تعیین‌کننده‌ای است. مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا و سرریسد مکانیسم ماشه، کشور را در موقعیت حساسی قرار داده است. موقعیتی که مسئولان کشور را وامی‌دارد با نگاهی دقیق و همه‌جانبه و به دور از هرگونه موضع‌گیری‌های غیرعقلانی، به سمت گردکشایی از روابط ایران و آمریکا و به نرخ آن به سوی دنیا گام بردارند. شاید این فرصت باقی‌مانده برای احیای روابط با آمریکا و ارویاست؛ البته اگر اراده‌ای برای این اتفاق از سوی ایران و طرف‌های مقابل وجود داشته باشد. شاید گفت‌وگو با چهره‌های سیاسی و کارشناسی که از دور دستی بر آتش دارند ولی مسائل ایران را از نزدیک دنبال می‌کنند، بتواند ابعادی ناملموس‌تر از این مسئله را بگشاید. به همین مناسبت، با محمدحسین شریف‌زادگان، اقتصاددان و استاد دانشگاه شهید بهشتی که سابقه وزارت در دوران‌رفاه‌نیز داشت، گاو و رفاه اجتماعی را نیز دارد، به گفت‌وگو نشسته‌ایم. شریف‌زادگان در این گفت‌وگو، سناریوهای پیش‌رو را در تلاش برای احیای برجام و آمریکا در مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهد و مذاکرات می‌تواند راه به جایی برد و کشور را به مقصد برساند.

کشور جهان از نظر تعداد مهندسان در دنیا هستیم. یعنی فقط چهار کشور در جایگاهی بالاتر از ما قرار دارند که اولین آن آمریکاست. این نشان‌دهنده پتانسیل‌های قوی نیروی انسانی ماست. جالب است که مردم ایران هم خواهان توسعه هستند. طبق آخرین مطالعه انجام‌شده از طریق نظرسنجی سراسری در کل ایران در پایان مرداد‌ماه، گفته شده ۹۲ درصد مردم ایران خواهان پیشرفت ایران هستند. جالب است که این نظرسنجی بعد از جنگ انجام شده. البته این نظرسنجی، موارد دیگری هم دارد که درصد بالایی گفته‌اند می‌خواهیم در مقابل دشمن خارجی مقاومت کنیم. ۸۶ درصد هم گفته‌اند به تمامیت ارضی ایران وفاداریم و می‌خواهیم این تمامیت کامل حفظ شود. در هر صورت نشان می‌دهد مردم طرفدار توسعه هستند. حتی طبق مطالعات علمی و میدانی که در سال ۱۴۰۰ در سیستان و بلوچستان و هرمزگان در منطقه مکران داشتیم، مردم در عین فقر و نابرابری و حتی ادراک فقر و نابرابری منطقه، خواهان توسعه بودند. یعنی ما نمی‌توانیم مذاکراتی کنیم که تنها مسائل الان را حل کنیم. مذاکرات ما باید هم مشکلات الان را حل کند و هم زمینه‌ساز توسعه آینده باشد. به همین دلیل معتقدم مذاکرات بقاممحور از مذاکرات توسعه‌محور می‌گذرد. این دو علت و معلول هم هستند و نمی‌شود اینها را از هم جدا کرد. این تصور درست نیست که مذاکرات با آمریکا و اروپا انجام شود تا مسائل امروز و استیک را حل کند، بعد ببینیم مذاکرات باید چطور پیش برود. اینها همه با هم است و این مذاکرات تصمیم ملی بسیار بزرگ و مهمی است که هم مسائل امروز ما حل شود و هم شرایط آینده برای توسعه تسهیل شود. ایران مقتدر به این صورت است، و الا اگر این کار را نکنیم، همواره زمینه و زمین را برای تجاوز دشمنان به ایرانی ضعیف که هنوز قوی نشده یا ایرانی که تضعیف شده، آماده کرده‌ایم. دو اصل مهم هم وجود دارد؛ یکی اینکه ایران باید وحدت سرزمینی‌اش را حفظ کند؛ در همین نظرسنجی هم مردم این را می‌خواستند و طبیعی است. چون از ارزش‌های ملی ماست. اصل دیگر، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی است؛ یعنی منازعات اجتماعی و قومی با فقر و غنا ایجاد نشود که جامعه را از به‌هم‌پیوستگی دور کند. این امر تقویت سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی و تقویت دولت-ملت را می‌طلبد. راهکارهای آن هم مشخص است.

می‌دانید مسئله وحدت سرزمینی ایران از قدیم مطرح بوده، ایران بسیار بزرگ بوده و شاهان مختلف در ایران حکومت می‌کردند. بعد کشور محروسه شده، ایالات مختلفی بوده و قسمت‌های زیادی در دوره‌های مختلف با تلخی از ایران جدا شده‌اند. خوشبختانه در ۴۰ سال اخیر توانسته‌ایم یکپارچگی ایران را حفظ کنیم و با وجود جنگ هشت‌ساله بخشی از خاک ایران جدا نشده و وحدت سرزمینی ایران حفظ شده که این مسئله مهم و ارزشی ملی است. قاعدتا اینها در مضمون رویکرد مذاکرات توسعه‌محور می‌گنجد. یعنی اگر آن کار را کنیم، می‌توانیم به‌هم‌پیوستگی اجتماعی‌مان را حفظ کنیم. به‌هم‌پیوستگی اجتماعی هم این‌طور نیست که یکباره حاصل شود، همه اینها فرایندها و پیچیدگی‌هایی دارد. لایه به لایه است و مسائل آن بسیار خطیر است. اما به هر صورت، یک دولت-ملت قوی است که با رفاه اجتماعی و اقتصاد پویای قدرتمند، این امکان را ایجاد می‌کند که ایران مقتدری ایجاد شود. ایران ضعیف، اقتصاد ناکارآمد، بیکاری، تورم، کاهش تاب‌آوری اجتماعی- به‌هم‌پیوستگی اجتماعی را کم می‌کند. یعنی رابطه‌ای بین توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی با کاهش به‌هم‌پیوستگی اجتماعی و منازعات اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. اگر ما از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی شرایط بهتری داشته باشیم، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی بیشتر تضمین می‌شود و شرایطی فراهم می‌شود که دیگران به مرزها و سرزمین ما طمع نمی‌کنند.

مجموعه اینها دلیلی است بر اینکه در شرایط حال حاضر باید دنبال ایران قوی و مستحکم و توسعه باشیم. نه اینکه یک‌روزه، بلکه زمینه‌های آن را فراهم کنیم. بنابراین مذاکرات ما با آمریکا و اروپا باید مقوم و زمینه‌ساز رویکرد توسعه‌محور باشد. و این اشتباه را نکنیم که فکر کنیم رویکرد ما فقط بقاممحور است و رویکرد توسعه‌محور بلندمدت است و برای بعد می‌ماند. تضمین‌کننده رویکرد بقاممحور، رویکرد توسعه‌محور است. این نکته بسیار مهمی است. البته در کلام ساده است. اما نیاز به تصمیمات خطیر ملی دارد. آمریکا و اسرائیل به خاک ما تجاوز کردند و دارایی‌های ما را از بین بردند. به نظامیان و دانشگاهیان ما حمله کردند. هر کاری را که ما نباید می‌کردند، کرده‌اند و ایران، ایران عزت‌مندی است و قرار نیست در مقابل متجاوزان تسلیم شود. ما هرگز تسلیم نمی‌شویم. اما رویکرد ما در تصمیمات ما نهفته است. ما جلوی چشممان نمونه‌هایی داریم؛ ویتنام بعد از جنگ ویتنام را ببینید، با ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم را ببینید. آنها هم تصمیمات بسیار سخت و مهمی اتخاذ کردند برای اینکه کشورشان را توسعه دهند. نه اینکه ما باید کاری را انجام دهیم که آنها کردند اما انجام دهیم، چون کاری را که ایران کرد، ایرانی‌ها هرگز نخواهند کرد. اما مسئله این است که ما این قدرت را داریم که مذاکرات‌مان را در جهت رویکرد توسعه‌محور پیش ببریم و حل و منازعات ما با جهان به نحوی باشد که زمینه توسعه برای کشورمان فراهم شود. امروز محتاج این تصمیمات مهم هستیم و قاعدتا از طریق دیپلماسی انجام می‌شود. البته در روایت راهکارهای عملیاتی صحبت کنیم. دستگاه دیپلماسی و تصمیم‌ساز کشور باید راهکارش را پیدا کند، راهی که بتواند ایران را به مقصد برساند. ولی این استراتژی‌های کلان و ویژه‌هایی که عرض کردم می‌تواند در مذاکرات کارساز باشد.

در بحث‌های شما نقد محور وجود دارد؛ یکی محور بازدارندگی نرم و بازدارندگی سخت. ما چقدر توانایی بازدارندگی نرم‌به نظرم در این زمینه خیلی آسیب دیده‌ایم و بازدارندگی نرم به معنای کمال یا حداقل به این معنا که بتوانیم مانع شویم تا کشورها احساس کنند اگر به ایران حمله کنند متضرر خواهند شد. در ادامه وجود نقد دیگری که اشاره کردید اینکه در سال آینده با کسری بودجه روبه‌رو هستیم و نفت هم دیگر نمی‌تواند کمک‌کننده باشد و توانایی دولت‌ها در تأمین منابع داخلی عمل کند. از جمله آموزش‌وپرورش. سلامت و بهداشت؛ اگر نهادهای وابسته به دولت توانند کارایی داشته باشند در داخل هم به‌نوعی آسیب‌پذیر خواهیم بود و دستمایه‌ای اجتماعی که درباره آن صحبت می‌کنیم اتفاق نخواهد افتاد. مهم‌تر از همه، بحث تصمیم‌گیری‌های به‌موقع است. فکر نمی‌کنید در کشور دچار بی‌تصمیمی هستیم و تصمیم جدی در زمینه‌های داخلی و خارجی گرفته نمی‌شود؟ تصمیم‌گیری مسائل خارجی پیچیده‌تر است و بخشی از آن به سمت ایران نیست، اما داخل دولت‌ها و کشورداری بخشی از تصمیمات باید در داخل گرفته شود که چنین اتفاقی نمی‌افتد و کشور در نوعی بلاتکلیفی به سر می‌برد. نظر شما چیست؟

بحث اول که درست است. کشور ما اگر قرار است بازدارندگی داشته باشد، باید به توسعه درونی خودش توجه کند. اشکاره کرم که در دهه ۷۰ ما عضو مهم موانع توسعه- یعنی کارگزاری خصوصی کشور و دیگری سیاست خارجی است که کمتر معطوف به منافع ملی است که بتواند منافع ملی را پشتیبانی کند. نکته اینجاست که آیا کشوری مثل ایران که دارای ظرفیت‌های بزرگ است. شرایط ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه خودش را دارد، مثلا فرهنگی و اساسی فرهنگی و هر چیزی را که برای یک کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه لازم است داریم، ولی اینکه چرا توسعه اتفاق نمی‌افتد، سؤال بزرگی است. اینکه ما می‌گوییم در مذاکرات شرایطی فراهم کنیم که زمینه‌های توسعه را برای ایران فراهم کند. گفتم این. در داخل هم باید در شیوه‌های حکمرانی تغییراتی اساسی دهیم که بتواند توسعه کشور را پشتیبانی کند. یا این نظامات‌نی که در کشورمان وجود دارد، ما اعتقاد دولتی و دیالکتیکی به درباره رابطه دولت-ملت، مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی داریم، کار به انجام نمی‌رسد. ما مشارکت سیاسی را در سطوح کلان کشور مطرح می‌کنیم، اینکه مهم‌ترین‌شان در ساخت قدرت است، اما تا پایین تسری پیدا می‌کند. توسعه بدون دترفکرفتن ساختار دولت در اقتصاد بین‌الملل به‌شدت پایین آمده است. حتی در واردات، صادرات و حیلی از کارهای خیلی کشورها با مضایق اساسی مواجهیم. وضع تولید صنعتی ما به‌شدت رو به افول است و می‌بینیم که بسیاری از کارخانه‌ها با ظرفیت پایین کار می‌کنند یا مجبورند کارکنان‌شان را مرخص کنند. کسری بودجه یکی از عوامل بسیار مهم است که می‌تواند تورم را تشدید کند. برای سال‌های آینده پیش‌بینی می‌شود بیش از دو هزار همت کسری بودجه خواهیم داشت که خیلی زیاد است. در این وضعیت، طبیعی است که درآمد ارزی ما بسیار پایین است و برای خرید خیلی از کالاهایی که وارد می‌کنیم، ازجمله کالاهای اساسی، قاعدتا با مضیقه مواجه می‌شویم که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود. قیمت دلار هم که تأثیر دارد و ارزش پول را بالا و پایین می‌کند که بسیار مهم است. افزایش تورم، بیش از ۱۵ سال است دچار تورم مزمن هستیم. تورم بالا در ایران مسئله مهمی است و همواره وضع اشتغال و بیکاری، الان حدود بیش از ۲۰ درصد بیکاری داریم که قبلا بحث شد.

این تازه بیکاری عمومی است. بیکاری متخصصان دو برابر است؛ یعنی بالای ۶۰ درصد است. فقر و نابرابری هم در کشور ما بسیار مهم است؛ هم واقعیتش و هم حسش مهم است. ادراک این مسئله در جامعه، عامل ضد توسعه و ضد زندگی و زیست مفید جامعه است. در سال ۱۴۰۳، ۳۲.۵ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند که حدود ۳۸ میلیون نفر هستند، با درنظرگرفتن ۸۶ میلیون نفری که مرکز آمار جمعیت ایران اعلام می‌کند. این آمار مربوط به دو سال پیش است، احسال که با مشکلات عدیده مواجهیم. ممکن است بیشتر شود. به‌خاطرفاتن تاب‌آوری اجتماعی، ایرانی‌ها هم بزرگشان را در جنگ ۸ساله‌ی ایران- عراق دیدیم. ما مثلا تهاجمات بسیار سنگین اسرائیل و آمریکا علیه میهن نشان دادند. اما مشکلات اقتصادی می‌تواند زاللکننده این تاب‌آوری باشد و آن را کاهش دهد. دعوی‌حال که ما همیشه به تاب‌آوری ملت ایران در مقابل متجاوزان اعتقاد داریم. شرایط به این ترتیب است. بنابراین رویکرد توسعه‌محور تضمین‌کننده و ایجادکننده بقای سرزمینی و میهنی کشور ماست که بسیار مهم است. البته اگر همین بزرگ بیاید با ظرفیت‌های زیاد است. ما چهارمین مخزن نفت جهان و اولین یا دومین مخزن گاز جهان را داریم. فرهنگ و جامعه متکثر بسیار قوی و توانا داریم. جامعه مدنی قابل ملاحظه و نیروی انسانی بسیار کشرده تحصیل‌کرده در ایران داریم. ما پنجمین کشور جهان از نظر تعداد مهندسان در دنیا هستیم. یعنی فقط چهار کشور در جایگاهی بالاتر از ما قرار دارند که اولین آن آمریکاست. این نشان‌دهنده پتانسیل‌های قوی نیروی انسانی ماست. جالب است که مردم ایران هم خواهان توسعه هستند. طبق آخرین مطالعه انجام‌شده از طریق نظرسنجی سراسری در کل ایران در پایان مردادماه، گفته شده ۹۲ درصد مردم ایران خواهان پیشرفت ایران هستند. جالب است که این نظرسنجی بعد از جنگ انجام شده. البته این نظرسنجی، موارد دیگری هم دارد که درصد بالایی گفته‌اند می‌خواهیم در مقابل دشمن خارجی مقاومت کنیم. ۸۶ درصد هم گفته‌اند به تمامیت ارضی ایران وفاداریم و می‌خواهیم این تمامیت کامل حفظ شود. در هر صورت نشان می‌دهد مردم طرفدار توسعه هستند. حتی طبق مطالعات علمی و میدانی که در سال ۱۴۰۰ در سیستان و بلوچستان و هرمزگان در منطقه مکران داشتیم، مردم در عین فقر و نابرابری و حتی ادراک فقر و نابرابری منطقه، خواهان توسعه بودند. یعنی ما نمی‌توانیم مذاکراتی کنیم که تنها مسائل الان را حل کنیم. مذاکرات ما باید هم مشکلات الان را حل کند و هم زمینه‌ساز توسعه آینده باشد. به همین دلیل معتقدم مذاکرات بقاممحور از مذاکرات توسعه‌محور می‌گذرد. این دو علت و معلول هم هستند و نمی‌شود اینها را از هم جدا کرد. این تصور درست نیست که مذاکرات با آمریکا و اروپا انجام شود تا مسائل امروز و استیک را حل کند، بعد ببینیم مذاکرات باید چطور پیش برود. اینها همه با هم است و این مذاکرات تصمیم ملی بسیار بزرگ و مهمی است که هم مسائل امروز ما حل شود و هم شرایط آینده برای توسعه تسهیل شود. ایران مقتدر به این صورت است، و الا اگر این کار را نکنیم، همواره زمینه و زمین را برای تجاوز دشمنان به ایرانی ضعیف که هنوز قوی نشده یا ایرانی که تضعیف شده، آماده کرده‌ایم. دو اصل مهم هم وجود دارد؛ یکی اینکه ایران باید وحدت سرزمینی‌اش را حفظ کند؛ در همین نظرسنجی هم مردم این را می‌خواستند و طبیعی است. چون از ارزش‌های ملی ماست. اصل دیگر، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی است؛ یعنی منازعات اجتماعی و قومی با فقر و غنا ایجاد نشود که جامعه را از به‌هم‌پیوستگی دور کند. این امر تقویت سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی و تقویت دولت-ملت را می‌طلبد. راهکارهای آن هم مشخص است.

می‌دانید مسئله وحدت سرزمینی ایران از قدیم مطرح بوده، ایران بسیار بزرگ بوده و شاهان مختلف در ایران حکومت می‌کردند. بعد کشور محروسه شده، ایالات مختلفی بوده و قسمت‌های زیادی در دوره‌های مختلف با تلخی از ایران جدا شده‌اند. خوشبختانه در ۴۰ سال اخیر توانسته‌ایم یکپارچگی ایران را حفظ کنیم و با وجود جنگ هشت‌ساله بخشی از خاک ایران جدا نشده و وحدت سرزمینی ایران حفظ شده که این مسئله مهم و ارزشی ملی است. قاعدتا اینها در مضمون رویکرد مذاکرات توسعه‌محور می‌گنجد. یعنی اگر آن کار را کنیم، می‌توانیم به‌هم‌پیوستگی اجتماعی‌مان را حفظ کنیم. به‌هم‌پیوستگی اجتماعی هم این‌طور نیست که یکباره حاصل شود، همه اینها فرایندها و پیچیدگی‌هایی دارد. لایه به لایه است و مسائل آن بسیار خطیر است. اما به هر صورت، یک دولت-ملت قوی است که با رفاه اجتماعی و اقتصاد پویای قدرتمند، این امکان را ایجاد می‌کند که ایران مقتدری ایجاد شود. ایران ضعیف، اقتصاد ناکارآمد، بیکاری، تورم، کاهش تاب‌آوری اجتماعی- به‌هم‌پیوستگی اجتماعی را کم می‌کند. یعنی رابطه‌ای بین توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی با کاهش به‌هم‌پیوستگی اجتماعی و منازعات اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. اگر ما از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی شرایط بهتری داشته باشیم، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی بیشتر تضمین می‌شود و شرایطی فراهم می‌شود که دیگران به مرزها و سرزمین ما طمع نمی‌کنند.

مجموعه اینها دلیلی است بر اینکه در شرایط حال حاضر باید دنبال ایران قوی و مستحکم و توسعه باشیم. نه اینکه یک‌روزه، بلکه زمینه‌های آن را فراهم کنیم. بنابراین مذاکرات ما با آمریکا و اروپا باید مقوم و زمینه‌ساز رویکرد توسعه‌محور باشد. و این اشتباه را نکنیم که فکر کنیم رویکرد ما فقط بقاممحور است و رویکرد توسعه‌محور بلندمدت است و برای بعد می‌ماند. تضمین‌کننده رویکرد بقاممحور، رویکرد توسعه‌محور است. این نکته بسیار مهمی است. البته در کلام ساده است. اما نیاز به تصمیمات خطیر ملی دارد. آمریکا و اسرائیل به خاک ما تجاوز کردند و دارایی‌های ما را از بین بردند. به نظامیان و دانشگاهیان ما حمله کردند. هر کاری را که نباید می‌کردند، کرده‌اند و ایران، ایران عزت‌مندی است و قرار نیست در مقابل متجاوزان تسلیم شود. ما هرگز تسلیم نمی‌شویم. اما رویکرد ما در تصمیمات ما نهفته است. ما جلوی چشممان نمونه‌هایی داریم؛ ویتنام بعد از جنگ ویتنام را ببینید، با ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم را ببینید. آنها هم تصمیمات بسیار سخت و مهمی اتخاذ کردند برای اینکه کشورشان را توسعه دهند. نه اینکه ما باید کاری را انجام دهیم که آنها کردند اما انجام دهیم، چون کاری را که ایران کرد، ایرانی‌ها هرگز نخواهند کرد. اما مسئله این است که ما این قدرت را داریم که مذاکرات‌مان را در جهت رویکرد توسعه‌محور پیش ببریم و حل و منازعات ما با جهان به نحوی باشد که زمینه توسعه برای کشورمان فراهم شود. امروز محتاج این تصمیمات مهم هستیم و قاعدتا از طریق دیپلماسی انجام می‌شود. البته در روایت راهکارهای عملیاتی صحبت کنیم. دستگاه دیپلماسی و تصمیم‌ساز کشور باید راهکارش را پیدا کند، راهی که بتواند ایران را به مقصد برساند. ولی این استراتژی‌های کلان و ویژه‌هایی که عرض کردم می‌تواند در مذاکرات کارساز باشد.

در بحث‌های شما نقد محور وجود دارد؛ یکی محور بازدارندگی نرم و بازدارندگی سخت. ما چقدر توانایی بازدارندگی نرم‌به نظرم در این زمینه خیلی آسیب دیده‌ایم و بازدارندگی نرم به معنای کمال یا حداقل به این معنا که بتوانیم مانع شویم تا کشورها احساس کنند اگر به ایران حمله کنند متضرر خواهند شد. در ادامه وجود نقد دیگری که اشاره کردید اینکه در سال آینده با کسری بودجه روبه‌رو هستیم و نفت هم دیگر نمی‌تواند کمک‌کننده باشد و توانایی دولت‌ها در تأمین منابع داخلی عمل کند. از جمله آموزش‌وپرورش. سلامت و بهداشت؛ اگر نهادهای وابسته به دولت توانند کارایی داشته باشند در داخل هم به‌نوعی آسیب‌پذیر خواهیم بود و دستمایه‌ای اجتماعی که درباره آن صحبت می‌کنیم اتفاق نخواهد افتاد. مهم‌تر از همه، بحث تصمیم‌گیری‌های به‌موقع است. فکر نمی‌کنید در کشور دچار بی‌تصمیمی هستیم و تصمیم جدی در زمینه‌های داخلی و خارجی گرفته نمی‌شود؟ تصمیم‌گیری مسائل خارجی پیچیده‌تر است و بخشی از آن به سمت ایران نیست، اما داخل دولت‌ها و کشورداری بخشی از تصمیمات باید در داخل گرفته شود که چنین اتفاقی نمی‌افتد و کشور در نوعی بلاتکلیفی به سر می‌برد. نظر شما چیست؟

بحث اول که درست است. کشور ما اگر قرار است بازدارندگی داشته باشد، باید به توسعه درونی خودش توجه کند. اشکاره کرم که در دهه ۷۰ ما عضو مهم موانع توسعه- یعنی کارگزاری خصوصی کشور و دیگری سیاست خارجی است که کمتر معطوف به منافع ملی است که بتواند منافع ملی را پشتیبانی کند. نکته اینجاست که آیا کشوری مثل ایران که دارای ظرفیت‌های بزرگ است. شرایط ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه خودش را دارد، مثلا فرهنگی و اساسی فرهنگی و هر چیزی را که برای یک کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه لازم است داریم، ولی اینکه چرا توسعه اتفاق نمی‌افتد، سؤال بزرگی است. اینکه ما می‌گوییم در مذاکرات شرایطی فراهم کنیم که زمینه‌های توسعه را برای ایران فراهم کند. گفتم این. در داخل هم باید در شیوه‌های حکمرانی تغییراتی اساسی دهیم که بتواند توسعه کشور را پشتیبانی کند. یا این نظاماتی که در کشورمان وجود دارد، ما اعتقاد دولتی و دیالکتیکی به درباره رابطه دولت-ملت، مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی داریم، کار به انجام نمی‌رسد. ما مشارکت سیاسی را در سطوح کلان کشور مطرح می‌کنیم، اینکه مهم‌ترین‌شان در ساخت قدرت است، اما تا پایین تسری پیدا می‌کند. توسعه بدون دترفکرفتن ساختار دولت در اقتصاد بین‌الملل به‌شدت پایین آمده است. حتی در واردات، صادرات و حیلی از کارهای خیلی کشورها با مضایق اساسی مواجهیم. وضع تولید صنعتی ما به‌شدت رو به افول است و می‌بینیم که بسیاری از کارخانه‌ها با ظرفیت پایین کار می‌کنند یا مجبورند کارکنان‌شان را مرخص کنند. کسری بودجه یکی از عوامل بسیار مهم است که می‌تواند تورم را تشدید کند. برای سال‌های آینده پیش‌بینی می‌شود بیش از دو هزار همت کسری بودجه خواهیم داشت که خیلی زیاد است. در این وضعیت، طبیعی است که درآمد ارزی ما بسیار پایین است و برای خرید خیلی از کالاهایی که وارد می‌کنیم، ازجمله کالاهای اساسی، قاعدتا با مضیقه مواجه می‌شویم که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود. قیمت دلار هم که تأثیر دارد و ارزش پول را بالا و پایین می‌کند که بسیار مهم است. افزایش تورم، بیش از ۱۵ سال است دچار تورم مزمن هستیم. تورم بالا در ایران مسئله مهمی است و همواره وضع اشتغال و بیکاری، الان حدود بیش از ۲۰ درصد بیکاری داریم که قبلا بحث شد.

این تازه بیکاری عمومی است. بیکاری متخصصان دو برابر است؛ یعنی بالای ۶۰ درصد است. فقر و نابرابری هم در کشور ما بسیار مهم است؛ هم واقعیتش و هم حسش مهم است. ادراک این مسئله در جامعه، عامل ضد توسعه و ضد زندگی و زیست مفید جامعه است. در سال ۱۴۰۳، ۳۲.۵ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند که حدود ۳۸ میلیون نفر هستند، با درنظرگرفتن ۸۶ میلیون نفری که مرکز آمار جمعیت ایران اعلام می‌کند. این آمار مربوط به دو سال پیش است، احسال که با مشکلات عدیده مواجهیم. ممکن است بیشتر شود. به‌خاطرفاتن تاب‌آوری اجتماعی، ایرانی‌ها هم بزرگشان را در جنگ ۸ساله‌ی ایران- عراق دیدیم. ما مثلا تهاجمات بسیار سنگین اسرائیل و آمریکا علیه میهن نشان دادند. اما مشکلات اقتصادی می‌تواند زاللکننده این تاب‌آوری باشد و آن را کاهش دهد. دعوی‌حال که ما همیشه به تاب‌آوری ملت ایران در مقابل متجاوزان اعتقاد داریم. شرایط به این ترتیب است. بنابراین رویکرد توسعه‌محور تضمین‌کننده و ایجادکننده بقای سرزمینی و میهنی کشور ماست که بسیار مهم است. البته اگر همین بزرگ بیاید با ظرفیت‌های زیاد است. ما چهارمین مخزن نفت جهان و اولین یا دومین مخزن گاز جهان را داریم. فرهنگ و جامعه متکثر بسیار قوی و توانا داریم. جامعه مدنی قابل ملاحظه و نیروی انسانی بسیار کشرده تحصیل‌کرده در ایران داریم. ما پنجمین کشور جهان از نظر تعداد مهندسان در دنیا هستیم. یعنی فقط چهار کشور در جایگاهی بالاتر از ما قرار دارند که اولین آن آمریکاست. این نشان‌دهنده پتانسیل‌های قوی نیروی انسانی ماست. جالب است که مردم ایران هم خواهان توسعه هستند. طبق آخرین مطالعه انجام‌شده از طریق نظرسنجی سراسری در کل ایران در پایان مردادماه، گفته شده ۹۲ درصد مردم ایران خواهان پیشرفت ایران هستند. جالب است که این نظرسنجی بعد از جنگ انجام شده. البته این نظرسنجی، موارد دیگری هم دارد که درصد بالایی گفته‌اند می‌خواهیم در مقابل دشمن خارجی مقاومت کنیم. ۸۶ درصد هم گفته‌اند به تمامیت ارضی ایران وفاداریم و می‌خواهیم این تمامیت کامل حفظ شود. در هر صورت نشان می‌دهد مردم طرفدار توسعه هستند. حتی طبق مطالعات علمی و میدانی که در سال ۱۴۰۰ در سیستان و بلوچستان و هرمزگان در منطقه مکران داشتیم، مردم در عین فقر و نابرابری و حتی ادراک فقر و نابرابری منطقه، خواهان توسعه بودند. یعنی ما نمی‌توانیم مذاکراتی کنیم که تنها مسائل الان را حل کنیم. مذاکرات ما باید هم مشکلات الان را حل کند و هم زمینه‌ساز توسعه آینده باشد. به همین دلیل معتقدم مذاکرات بقاممحور از مذاکرات توسعه‌محور می‌گذرد. این دو علت و معلول هم هستند و نمی‌شود اینها را از هم جدا کرد. این تصور درست نیست که مذاکرات با آمریکا و اروپا انجام شود تا مسائل امروز و استیک را حل کند، بعد ببینیم مذاکرات باید چطور پیش برود. اینها همه با هم است و این مذاکرات تصمیم ملی بسیار بزرگ و مهمی است که هم مسائل امروز ما حل شود و هم شرایط آینده برای توسعه تسهیل شود. ایران مقتدر به این صورت است، و الا اگر این کار را نکنیم، همواره زمینه و زمین را برای تجاوز دشمنان به ایرانی ضعیف که هنوز قوی نشده یا ایرانی که تضعیف شده، آماده کرده‌ایم. دو اصل مهم هم وجود دارد؛ یکی اینکه ایران باید وحدت سرزمینی‌اش را حفظ کند؛ در همین نظرسنجی هم مردم این را می‌خواستند و طبیعی است. چون از ارزش‌های ملی ماست. اصل دیگر، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی است؛ یعنی منازعات اجتماعی و قومی با فقر و غنا ایجاد نشود که جامعه را از به‌هم‌پیوستگی دور کند. این امر تقویت سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی و تقویت دولت-ملت را می‌طلبد. راهکارهای آن هم مشخص است.

می‌دانید مسئله وحدت سرزمینی ایران از قدیم مطرح بوده، ایران بسیار بزرگ بوده و شاهان مختلف در ایران حکومت می‌کردند. بعد کشور محروسه شده، ایالات مختلفی بوده و قسمت‌های زیادی در دوره‌های مختلف با تلخی از ایران جدا شده‌اند. خوشبختانه در ۴۰ سال اخیر توانسته‌ایم یکپارچگی ایران را حفظ کنیم و با وجود جنگ هشت‌ساله بخشی از خاک ایران جدا نشده و وحدت سرزمینی ایران حفظ شده که این مسئله مهم و ارزشی ملی است. قاعدتا اینها در مضمون رویکرد مذاکرات توسعه‌محور می‌گنجد. یعنی اگر آن کار را کنیم، می‌توانیم به‌هم‌پیوستگی اجتماعی‌مان را حفظ کنیم. به‌هم‌پیوستگی اجتماعی هم این‌طور نیست که یکباره حاصل شود، همه اینها فرایندها و پیچیدگی‌هایی دارد. لایه به لایه است و مسائل آن بسیار خطیر است. اما به هر صورت، یک دولت-ملت قوی است که با رفاه اجتماعی و اقتصاد پویای قدرتمند، این امکان را ایجاد می‌کند که ایران مقتدری ایجاد شود. ایران ضعیف، اقتصاد ناکارآمد، بیکاری، تورم، کاهش تاب‌آوری اجتماعی- به‌هم‌پیوستگی اجتماعی را کم می‌کند. یعنی رابطه‌ای بین توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی با کاهش به‌هم‌پیوستگی اجتماعی و منازعات اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. اگر ما از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی شرایط بهتری داشته باشیم، به‌هم‌پیوستگی اجتماعی بیشتر تضمین می‌شود و شرایطی فراهم می‌شود که دیگران به مرزها و سرزمین ما طمع نمی‌کنند.

مجموعه اینها دلیلی است بر اینکه در شرایط حال حاضر باید دنبال ایران قوی و مستحکم و توسعه باشیم. نه اینکه یک‌روزه، بلکه زمینه‌های آن را فراهم کنیم. بنابراین مذاکرات ما با آمریکا و اروپا باید مقوم و زمینه‌ساز رویکرد توسعه‌محور باشد. و این اشتباه را نکنیم که فکر کنیم رویکرد ما فقط بقاممحور است و رویکرد توسعه‌محور بلندمدت است و برای بعد می‌ماند. تضمین‌کننده رویکرد بقاممحور، رویکرد توسعه‌محور است. این نکته بسیار مهمی است. البته در کلام ساده است. اما نیاز به تصمیمات خطیر ملی دارد. آمریکا و اسرائیل به خاک ما تجاوز کردند و دارایی‌های ما را از بین بردند. به نظامیان و دانشگاهیان ما حمله کردند. هر کاری را که نباید می‌کردند، کرده‌اند و ایران، ایران عزت‌مندی است و قرار نیست در مقابل متجاوزان تسلیم شود. ما هرگز تسلیم نمی‌شویم. اما رویکرد ما در تصمیمات ما نهفته است. ما جلوی چشممان نمونه‌هایی داریم؛ ویتنام بعد از جنگ ویتنام را ببینید، با ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم را ببینید. آنها هم تصمیمات بسیار سخت و مهمی اتخاذ کردند برای اینکه کشورشان را توسعه دهند. نه اینکه ما باید کاری را انجام دهیم که آنها کردند اما انجام دهیم، چون کاری را که ایران کرد، ایرانی‌ها هرگز نخواهند کرد. اما مسئله این است که ما این قدرت را داریم که مذاکرات‌مان را در جهت رویکرد توسعه‌محور پیش ببریم و حل و منازعات ما با جهان به نحوی باشد که زمینه توسعه برای کشورمان فراهم شود. امروز محتاج این تصمیمات مهم هستیم و قاعدتا از طریق دیپلماسی انجام می‌شود. البته در روایت راهکارهای عملیاتی صحبت کنیم. دستگاه دیپلماسی و تصمیم‌ساز کشور باید راهکارش را پیدا کند، راهی که بتواند ایران را به مقصد برساند. ولی این استراتژی‌های کلان و ویژه‌هایی که عرض کردم می‌تواند در مذاکرات کارساز باشد.

**در بحث‌های شما نقد محور وجود دارد؛ یکی محور بازدارندگی نرم و بازدارندگی سخت. ما چقدر توانایی بازدارندگی نرم‌به نظرم در این زمینه خیلی آسیب دیده‌ایم و بازدارندگی نرم به معنای کمال یا حداقل به این معنا که بتوانیم مانع شویم تا کشورها احساس کنند اگر به ایران حمله کنند متضرر خواهند شد. در ادامه وجود نقد دیگری که اشاره کردید اینکه در سال آینده با کسری بودجه روبه‌رو هستیم و نفت هم دیگر نمی‌تواند کمک‌کننده باشد و توانایی دولت‌ها در تأمین منابع داخلی عمل کند. از جمله آموزش‌وپرورش. سلامت و بهداشت؛ اگر نهادهای وابسته به دولت توانند کارایی داشته باشند در داخل هم به‌نوعی آسیب‌پذیر خواهیم بود و دستمایه‌ای اجتماعی که درباره آن صحبت می‌کنیم اتفاق نخواهد افتاد. مهم‌تر از همه، بحث تصمیم‌گیری‌های به‌موقع است. فکر نمی‌کنید در کشور دچار بی‌تصمیمی هستیم و تصمیم جدی در زمینه‌های داخلی و خارجی